

بررسی رابطه‌ی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی

بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

مهدی بهار مقدم*

زین‌العابدین صادقی**

ساره صفرزاده***

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۸/۰۶

چکیده:

تئوری مشروعیت بیان می‌کند که میان شرکت‌ها و جامعه‌ای که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند قراردادی اجتماعی وجود دارد. لذا انتظار می‌رود ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی که مجموعه‌ای از قواعد ناظر بر هدایت، کنترل و نظارت شرکت‌ها می‌باشند، بهبود یابد. در این پژوهش، رابطه‌ی برخی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بررسی شده است. از روش رگرسیون داده‌های تابلویی برای آزمون پژوهش استفاده شده است. بنابراین در این مطالعه با انتخاب ۹۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۵ مشخص می‌شود که متغیرهای انتخاب شده مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی به جزء مسئولیت دوگانه مدیر عامل در هیأت مدیره رابطه مثبت و معناداری با افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها دارند و سطح افشای شرکت‌های انتخاب شده در سطح پایین است.

*دانشیار حسابداری، دانشگاه شهید باهنر، گروه مدیریت و اقتصاد، کرمان، ایران.

**استادیار اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر، مدیریت و اقتصاد، کرمان، ایران.

***کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد بندرعباس، گروه حسابداری، ایران. (نویسنده مسئول)

واژه های کلیدی: مسئولیت اجتماعی شرکت ها، حاکمیت شرکتی، تئوری مشروعیت

۱- مقدمه

مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی^۱ و افشاگرهای مرتبط با آن عامل ضروری است که به تداوم شرکت ها منجر می شود. زیرا همه شرکت ها ارتباط هایی با جامعه دارند. لذا جامعه امکان بقای شرکت ها را در درازمدت فراهم می آورد. جامعه از فعالیت ها و رفتار شرکت ها بهره می گیرد. گسترش مسئولیت پذیری شرکت ها بر این موضوع دلالت دارد که مسئولیت های شرکت ها از آنچه در گذشته بوده، یعنی "فراهم کردن پول برای سهامداران" فراتر رفته است. شرکت ها بایستی در برابر ذینفعان (سهامداران، مشتریان، کارکنان، عرضه کنندگان کالا، بانک ها، قانون گذاران، محیط و جامعه) پاسخگو باشند. به این ترتیب شرکت ها علاوه بر مسئولیت اقتصادی، باید در برابر مسائل اجتماعی احساس مسئولیت کنند. بنابراین با توجه به اهمیت مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و افشاگری های مرتبط با آن، در گزارشات مالی بایستی مراقبت های کافی به عمل آید. اعمال نظارت و مراقبت در این زمینه می تواند مستلزم وجود سازو کارهای حاکمیت شرکتی^۲ باشد.

حساس یگانه (۱۳۸۵)، حاکمیت شرکتی را به معنای قوانین، مقررات، ساختارها، فرهنگ ها و سیستم هایی می داند که موجب دستیابی به هدف های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می شود. قائمی و شهریاری (۱۳۸۸)، در پژوهشی نظام حاکمیت شرکتی را به عنوان یک نظام مرتبط کننده چند شاخه علمی از قبیل؛ حسابداری، اقتصاد، مالی و حقوق و با حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی که موجب ترغیب و تقویت استفاده ی کارآمد از منابع و الزام پاسخگویی شرکت ها در قبال سایر صاحب ذینفع ها بیان می کنند.

لذا این پژوهش به بررسی رابطه برخی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت ها ی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد.

^۱ -Corporate Social Responsibility

^۲ -Corporate Governance

۲- مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری متفاوت برای توضیح و تحلیل حاکمیت شرکتی مطرح شده است. که هر یک از آن ها با استفاده از واژگان مختلف زمینه علمی خاص و به صورتی متفاوت به موضوع حاکمیت شرکتی پرداخته اند. به عنوان مثال، تئوری نمایندگی از دید مالی و اقتصادی، تئوری هزینه معاملات از دید اقتصادی، حقوقی و سازمانی و تئوری ذینفعان، تئوری مشروعیت و تئوری اقتصاد سیاسی از دید اجتماعی به موضوع حاکمیت شرکتی می پردازند. بر اساس تئوری های ذکر شده که منجر به مکانیزم های حاکمیتی ساختار یافته می شود می توان به افزایش افشای حجم اطلاعات مالی و اجتماعی شرکت ها دست یافت.

معمولی ترین مفهوم افشاء مسئولیت اجتماعی توسط کارول^۱ (۱۹۹۱) بیان شد. کارول بین چهار نوع از مسئولیت پذیری اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشر دوستانه فرق قائل شد. مسئولیت پذیری اقتصادی (شغل، دستمزد و خدمات) مسئولیت پذیری قانونی (رعایت قوانین و ایفای نقش در رعایت قوانین بازی) مسئولیت پذیری اخلاق (اخلاقی بودن و انجام آنچه صحیح، درست و عادلانه است) مسئولیت پذیری انسان دوستانه (کمک های اختیاری بشر دوستانه).

کمیته توسعه پایدار تجارت جهانی^۲ (WBCSD) افشاء مسئولیت اجتماعی را به عنوان تعهد شرکت ها به مشارکت در بهبود توسعه اقتصاد پایدار و کارکنان و خانواده آن ها و جامعه تعریف می کند.

حسینی (۱۳۸۹)، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت ها یعنی مسئولیت شرکت ها در مورد پاسخگویی به پیامد های فعالیت هایی که جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. منظور از جامعه در این جا کلی است و در برگیرنده همه ذینفعان شرکت است. شرکت باید در اتخاذ تصمیمات و انجام فعالیت ها و اجرای عملیات خود منافع همه ذینفعان را در نظر بگیرد. ذینفعان شرکت همه کسانی هستند که نتایج و پیامدهای تصمیمات و اعمال شرکت ها بر آن ها اثر می گذارد. این ذینفعان در موفقیت یک شرکت به طور مستقیم و غیر مستقیم نقش دارند. مهم ترین ذینفعان شرکت عبارتند از: مصرف کنندگان، کارکنان، مالکان، سهامداران و جامعه. عظیمی و خاک تاریک (۱۳۸۷)، مسئولیت اجتماعی بنگاه ها عبارت است از الزام به پاسخگویی و ارضای توقع های گروه های ذینفع خارجی، اعم از مشتریان، تأمین کنندگان، توزیع کنندگان، حافظان

^۱ -Carol

^۲ -World Business Council for Sustainable Development

محیط زیست و کارکنان محل فعالیت واحد تولیدی/خدماتی، با حفظ منافع گروه های ذینفع داخلی اعم از مالکان یا سهامداران و کارکنان واحد.

تعریف صندوق بین المللی پول^۱ (IMF) و سازمان توسعه و همکاری های اقتصاد^۲ (OECD) از حاکمیت شرکتی: "ساختار روابط و مسئولیت ها در میان یک گروه اصلی شامل سهامداران، اعضاء هیأت مدیره، مدیر عامل و سایر طرف های ذیربط برای ترویج عملکرد بهتر در رقابت به منظور دستیابی به اهداف اولیه مشارکت و تنظیم معیارها و مکانیزم های نظارتی و کنترلی".

تعریف سازمان^۳ (IFAC) در سال ۲۰۰۴: "حاکمیت شرکتی عبارت است از مسئولیت ها و شیوه های اعمال شده توسط هیأت مدیره و مدیران با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی است که تضمین کننده دستیابی به اهداف، کنترل مناسب ریسک ها و مصرف منابع بطور مسئولانه باشد. تری گر^۴ (۱۹۹۴)، "حاکمیت شرکتی تنها مربوط به اداره عملیات شرکت نیست بلکه مربوط به هدایت، نظارت و کنترل اعمال مدیران اجرایی و پاسخگویی آنها به تمام ذینفعان شرکت یا اجتماع می باشد. پارکینسون^۵ (۱۹۹۴)، "حاکمیت شرکتی عبارت است از فرایند نظارت و کنترل برای تضمین اینکه مدیریت شرکت مطابق با منافع سهامداران عمل می نماید".

در تعاریف فوق به موضوع حاکمیت شرکتی از دیدگاه های متفاوتی توجه شده است. در یک طیف تأکید و توجه بر روابط بین سهامداران و مدیریت در قالب مالی می باشد و در طیف دیگر اشاره به پاسخگویی شرکت در برابر ذینفعان از جمله جامعه دارد. اما به نظر می رسد وجه مشترک تمام تعاریف به عمل آمده اشاره به یک نکته یا مفهوم اساسی "پاسخگویی" دارد. پاسخگویی در برابر حقوق سهامداران، پاسخگویی در برابر ذینفعان، پاسخگویی در برابر کل جامعه و نسل های آتی.

¹ -International Monetary Fund

² -Organization for Economic Co-operation and Development

³ -International Federation of Accountants

⁴ -Tricker

⁵ -Parkinson

۳- پیشینه پژوهش

سکولتنز و چاینگ کانگ^۱ (۲۰۱۲)، در مقاله ای تحت عنوان "مسئولیت اجتماعی شرکتی و مدیریت سود شواهدی از اقتصادهای آسیا" رابطه مدیریت سود با مسئولیت اجتماعی شرکتی و حمایت سرمایه گذاران را در ۱۳۹ شرکت در ۱۰ کشور آسیایی مورد بررسی قرار داده اند. فرضیه پژوهش به این صورت بود که بین مسئولیت اجتماعی شرکتی و حمایت سرمایه گذاران و مدیریت سود رابطه معکوسی وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد که شرکتی با نسبت مسئولیت اجتماعی خوب بطور چشمگیری علاقمند به کاهش مدیریت سود هستند و حمایت سرمایه گذاران با مدیریت سود رابطه منفی دارد و مسئولیت اجتماعی شرکتی، باعث می شود شرکتی آسیایی مدیریت سود را کم بکار ببرند و این بستگی به سیستم قانونی دارد.

رحمان خان و بدرالمتکین^۲ (۲۰۱۲)، مطالعه ای تحت عنوان "حاکمیت شرکتی و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها، شواهدی مبتنی بر اقتصاد نوظهور" در کشور بنگلادش انجام داده اند. در این پژوهش رابطه برخی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی شامل: مالکیت مدیریتی، مالکیت عمومی، مالکیت خارجی، نسبت مدیران غیر موظف در هیأت مدیره، دوگانگی مدیر عامل و حضور کمیته حسابرسی با افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی با مالکیت مدیریتی رابطه ی منفی دارد. و مالکیت عمومی و خارجی و مدیران غیر موظف در هیأت مدیره و حضور کمیته حسابرسی اثر مثبت و معناداری با افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی دارد. همچنین نتایج نشان داد که اثر دوگانگی مدیر عامل بر افشای مسئولیت اجتماعی هیچگونه رابطه قابل توجهی ندارد.

آرشاد و رازاک^۳ (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان "افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی و اثر متقابل ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت" به بررسی افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد شرکت های مالزی پرداختند. در این پژوهش اطلاعات ۲۴۲ شرکت مالزی در سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ جمع آوری شدند. نتایج این مطالعه نشان داد که افشای فعالیت های مسئولیت اجتماعی شرکت ها اثر قابل توجهی بر روی موفقیت شرکتها دارد و بطور بالقوه ای منجر به

¹ -Scholtens & Ching kang

² -Rahman Khan & Badrul Mottakin

³ -Arshad & Razak

عملکرد مالی قوی و ایجاد ارزش برای شرکت ها می شود. همچنین ساختار مالکیت غالب باعث بهبود فعالیت های افشای مسئولیت اجتماعی می گردد.

هو و همکاران^۱ (۲۰۱۱)، در مطالعه ای تحت عنوان "اثر ساختار مالکیت بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی شواهدی تجربی از کشور کره" سهامداران را با توجه به داشتن انگیزه های متفاوت به گروه هایی از جمله سهامداران با مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و مالکیت خارجی تقسیم بندی کردند. داده های آن ها شامل یک نمونه ۱۱۸ تایی از شرکت-های بزرگ کره بود. نتایج نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکتی با مالکیت نهادی و مالکیت خارجی رابطه مثبت و معناداری دارد. اما رابطه مسئولیت اجتماعی شرکتی با مالکیت مدیریتی مثبت و معنادار نیست. پژوهش آن ها نشان داد که گروه های مختلف سهامداران اثر متفاوتی بر افشای مسئولیت اجتماعی دارند.

اویونو و همکاران^۲ (۲۰۱۱)، در مطالعه ای با عنوان "بررسی مسئولیت اجتماعی شرکت ها و عملکرد مالی" به بررسی مسئولیت اجتماعی شرکتها و عملکرد مالی ۵۰ شرکت مالزیایی پرداختند. در این پژوهش سود قبل از بهره و مالیات و استهلاک و سود هرسهم به عنوان متغیرهای عملکرد مالی در نظر گرفته شد. پژوهش آن ها طی سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۷ انجام شده است. تجزیه و تحلیل آن ها نشان داد که که رابطه مثبت و تقریباً ضعیفی بین مسئولیت اجتماعی شرکت ها و عملکرد مالی وجود دارد. بنابراین آن ها ادعا کردند که گزارش فعالیت های اجتماعی شرکت ها باعث بهبود عملکرد مالی می گردد.

ذبیح منش (۱۳۹۱)، به بررسی رابطه بین سرمایه فکری و اجزای آن که شامل کارایی سرمایه مورد استفاده (کارایی سرمایه انسانی و کارایی سرمایه ساختاری) و افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی پرداخته است. نتایج نشان می دهد که سرمایه فکری، ارتباط معنی داری با افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی ندارد. با این حال، یکی از اجزای آن یعنی کارایی سرمایه به کار برده شده تأثیر قابل توجهی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی داشت. در حالی که دو جزء دیگر سرمایه فکری یعنی، کارایی سرمایه انسانی و سرمایه ساختاری بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی هیچ تأثیر قابل ملاحظه ای نداشتند. نتایج پژوهش همچنین توانست ثابت کند که استنباط از مسئولیت های اجتماعی شرکتی هنوز در مرحله های قرار ندارد که در آن شرکت ها بتوانند مسئولیت اجتماعی شرکتی را به صورت داوطلبانه اجرا نمایند.

¹ -Ho, et al.

² -Oeyono, et al.

هاشمی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی رابطه بین تصمیمات ساختار سرمایه با ساختار مالکیت و نظام راهبری شرکت برای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که رابطه ی معنی دار بین تصمیمات ساختار سرمایه شرکت با ساختار مالکیت و نظام راهبری شرکتی وجود دارد.

عرب صالحی و همکاران (۱۳۸۹)، رابطه بین کیفیت سود و برخی از اصلی ترین سازو کارهای نظام راهبری شرکتی (تفکیک پست مدیر عاملی و ریاست هیأت مدیره شرکت، تعداد اعضای غیر موظف هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره) در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. آزمون فرضیه های پژوهش نشان داد که ویژگی های هیأت مدیره شرکت ها که بخشی از سازوکارهای نظام راهبری شرکت محسوب می شوند، تأثیر معناداری بر کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

شربت اوغلی و همکاران (۱۳۸۹)، مسئولیت اجتماعی نزد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. چارچوب کارول انتخاب و بر اساس آن پرسشنامه ای تهیه شد و برای همه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری ارسال شد. تحلیل داده ها مبین این موضوع است که تعریفی که شرکت های ایرانی از مسئولیت اجتماعی دارند بیشتر به بعد حقوقی هرم کارول نزدیک است و اولویت بندی آن ها نیز با هرم کارول مطابقت دارد. همچنین شرکت ها در وهله ی اول به بعد اقتصادی و سپس اخلاقی و حقوقی و در انتها به بعد نوع دوستانه اهمیت می دهند. در این پژوهش، تفاوت های بین بنگاه های تولید خدمات و کالا و بنگاه های بزرگ و کوچک در رابطه با یافته ها مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل های آماری حکایت از آن دارد که شرکت های تولیدی بیش از شرکت های خدماتی برای فعالیت های حقوقی و فعالیت های اخلاقی اهمیت قائل هستند.

موسوی و همکاران (۱۳۸۹)، به بررسی تأثیر سازوکارهای نظارتی راهبری شرکتی (تمرکز مالکیت) بر عملکرد شرکت (نرخ بازده دارایی ها، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری) پرداختند و نشان دادند که بین تمرکز مالکیت و نرخ بازده دارایی ها رابطه ی معنی داری وجود دارد اما بین تمرکز مالکیت و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام رابطه ی وجود ندارد.

مرتضوی و همکاران (۱۳۸۹)، به بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر اهمیت مسئولیت اجتماعی بر رابطه بین ابعاد چهارگانه مسئولیت اجتماعی (کارکنان، مشتریان، دولت و ذینفعان اجتماعی و غیراجتماعی) شرکت‌های صنایع غذایی شهر مشهد پرداخته‌اند. در این راستا، صنعت مواد غذایی به عنوان جامعه مورد مطالعه انتخاب گردید که با مشارکت ۱۰۵ عضو در قالب نمونه آماری و استفاده از پرسش‌نامه جهت جمع‌آوری داده‌ها انجام پذیرفت. پردازش حاصل از داده‌ها با استفاده از مدل رگرسیون سلسله‌مرتب‌ی حاکی از آن است که نقش تعدیل‌گری متغیر مورد مطالعه بر رابطه بین ابعاد چهارگانه مسئولیت اجتماعی (کارکنان، مشتریان، دولت و ذینفعان اجتماعی و غیراجتماعی) مورد تایید است، این یافته بدان معناست که تاکید بر اهمیت مسئولیت اجتماعی و رعایت آن از سوی سازمان‌ها می‌تواند از کارکردی مثبت بر عملکرد سازمان‌ها برخوردار باشد به نحوی که به طور معناداری تعهد سازمانی کارکنان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

فروغی و همکاران (۱۳۸۶)، در پژوهشی به بررسی نگرش مدیران شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران درباره‌ی افشای اطلاعات حسابداری اجتماعی، بر مبنای تئوری‌های اقتصاد سیاسی، تئوری مشروعیت و تئوری گروه‌های ذینفع پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش دقیقاً در راستای تئوری‌های فوق است و نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌های ایرانی مایل به افشای اطلاعات مربوط به منافع اجتماعی و مسایل رفاهی کارکنان خود هستند ولی برای افشای اطلاعات مربوط به هزینه‌های اجتماعی سازمان خود تمایل ندارند.

۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین تمرکز مالکان و سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نسبت مدیران غیرموظف در هیأت مدیره و سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین دوگانگی مسئولیت مدیر عامل و سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین اندازه حسابرِس و سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

۵- جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند. اطلاعات و داده های آماری مربوط به شرکت های قرار گرفته شده در نمونه آماری در فاصله زمانی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ جمع آوری شده است.

شرکت های عضو نمونه به روش حذف سیستماتیک از بین شرکت های عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده اند انتخاب گردیده اند:

- (۱) شرکت هایی که دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - (۲) شرکت های مورد نظر جزء بانک ها، موسسات مالی، شرکت های سرمایه گذاری، واسطه-گری مالی و هلدینگ نباشند.
 - (۳) طی دوره مالی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار فعال باشند.
 - (۴) اطلاعات مالی مورد نیاز به ویژه یادداشت های همراه صورتهای مالی و گزارشات سالیانه هیأت مدیره به مجمع عمومی به منظور استخراج داده های مورد نیاز در دسترس باشد.
- با اعمال شرایط یاد شده تعداد ۹۳ شرکت جهت برآورد مدل و آزمون فرضیه های پژوهش انتخاب شده اند.

۶- روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف جزء پژوهش های کاربردی و بر اساس ماهیت از نوع توصیفی است. از آن جایی که هدف از این پژوهش مطالعه میزان همبستگی و برآورد ضرایب برای متغیرهای مورد بررسی و در نهایت ارائه مدل می باشد، برای آزمون فرضیه ها از روش رگرسیون داده های تابلوی به روش حداقل مربعات تعمیم یافته تلفیقی^۱ (PGLS) استفاده

^۱ -Pooled Generalized Least Squares

می شود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

بر اساس موارد فوق مدل رگرسیونی زیر برای آزمون فرضیه ها بکار رفته است:

$$CSR D = \alpha + \beta_1 OWNCON + \beta_2 OUTDIR + \beta_3 CEODU + \beta_4 AUDSIZE + \beta_5 SIZE + \beta_6 AGE + \beta_7 DR + \beta_8 ROA + \varepsilon \quad (1)$$

۷- متغیر های پژوهش

الف) متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش، سطح افشای مسئولیت اجتماعی (CSR D) است. برای اندازه گیری آن از شاخص های کمک های خیریه و عام المنفعه، اقداماتی جهت کاهش انرژی، نظام اطلاعاتی مدیریت محیط زیست، خرید و نصب تجهیزات برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست، آموزش و رفاه و ایمنی و بهداشت کارکنان و کیفیت محصولات استفاده شده است و در صورتی که شرکتی هر کدام از شاخص های فوق را در گزارشات مالی و گزارشات سالیانه هیأت مدیره به مجمع عمومی افشاء نموده باشد متغیر مجازی یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می شود. بعد از تعیین صفر و یک ها از همه متغیرها میانگین گرفته شده است و از میانگین این داده ها برای هر شرکت به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است.

ب) متغیر های مستقل

در این پژوهش متغیر های تمرکز مالکان، نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره، مسئولیت دوگانه مدیر عامل و اندازه حسابرس به عنوان مکانیزم های حاکمیت شرکتی انتخاب شده اند. (دستورالعمل نظام راهبری شرکتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۶).

نحوه محاسبه این متغیر ها به صورت زیر است.

OWNCON: تمرکز مالکیت برابر با مجموع درصد تملک سهامدارانی است که حداقل ۵ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند. برای محاسبه تمرکز مالکیت نهادی از شاخص

هرفیندال - هریشمن استفاده شده است. شاخص هرفیندال - هریشمن^۱ شاخصی اقتصادی است که برای سنجش میزان انحصار در بازار استفاده می شود. رتبه تمرکز مالکیت برابر است با جمع مربعات درصد های بالاتر از ۳ درصد هر شرکت که بر اساس رابطه ی زیر محاسبه می شود:

$$(OCN) = \sum (P_i/p \times 100)^2 \quad (2)$$

در این رابطه P بیانگر درصد کل سهام و P_i بیانگر جمع درصدهای سهام بالاتر از ۳ درصد متعلق به سهامداران است. (درصد سهام هر یک از مالکان نهادی به توان دو رسیده و با هم جمع می شوند). حاصل بین ۰ تا ۱ بوده و هرچه قدر به ۱ نزدیک تر باشد، تمرکز بیشتر است در واقع هر چه این نسبت بالاتر باشد، تمرکز مالکیت در شرکت بیشتر است (بوگشان^۲، ۲۰۰۵).

OUTDIR: نسبت هیأت مدیره غیرموظف عبارت است از تعداد مدیران غیر موظف به کل تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت

CEODU: اگر فردی دارای سمت مدیر عامل و رئیس یا نائب رئیس هیأت مدیره باشد متغیر مجازی برابر یک باشد و در غیر این صورت صفر است.

AUDSIZE: اگر در شرکت هایی که حسابرس آنها سازمان حسابرسی باشد متغیر ساختگی برابر یک باشد و در غیر این صورت صفر است.

ج) متغیر های کنترلی

در این پژوهش اندازه شرکت، سن شرکت، نسبت بدهی و بازده دارایی ها به عنوان متغیرهای کنترلی لحاظ شده است. نحوه محاسبه این متغیر ها به صورت زیر است.

SIZE: لگاریتم طبیعی مجموع دارائی ها

AGE: لگاریتم طبیعی از عمر شرکت

DR: نسبت کل بدهی ها به کل دارائی ها

ROA: نسبت سود خالص به کل دارائی ها

¹ - Herfindal Index

² - Bugshan

۸- یافته های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول (۱): نتایج تجزیه و تحلیل توصیفی داده های پژوهش

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شاخص افشاء مسئولیت اجتماعی	۰/۳۵۶۸	۰/۳۷۵۰	۰/۲۸۵۳	۰/۰۰۱۱	۱/۰۰۰۰
تمرکز مالکان	۳۵۶۵/۵۱۲	۳۰۵۹/۱۹۶	۲۲۸۰/۷۲۹	۰/۰۰۰۰	۱۰۰۰۰/۰۰
درصد مدیران غیر موظف	۰/۶۲۶۳	۰/۶۰۰۰	۰/۱۸۴۹	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰
اندازه حسابرس	۰/۳۱۷۴	۰/۰۰۰۰	۰/۴۶۶۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰
دوگانگی مدیر عامل	۰/۲۱۵۹	۰/۰۰۰۰	۰/۴۱۱۹	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰

ماخذ: محاسبه پژوهشگر

در جدول ۱ مشاهده می شود که میانگین شاخص افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت ها برابر ۳۵ درصد می باشد که این نشان می دهد شرکت های نمونه تمایل چندانی به افشاء مسئولیت اجتماعی ندارند و سطح افشاء در شرکت های انتخاب شده در سطح پایین است.

۹- آزمون فرضیه های پژوهش

همانگونه که بیان شد مکانیزم های حاکمیت شرکتی با استفاده از چهار مکانیزم (تمرکز مالکان، نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره، اندازه حسابرس و مسئولیت دوگانه مدیر عامل) مورد توجه است. در جدول ۲ تأثیر این مکانیزم ها بر افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت ها مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول (۲): نتایج آزمون فرضیه ها

متغیرها	ضریب تخمینی	انحراف معیار	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	-۰/۸۸۷۵	۰/۱۲۳۱	-۷/۲۰۴۸	۰/۰۰۰۰
تمرکز مالکان	۱/۰۲۰۵	۲/۹۲۰۶	۳/۴۹۵۸	۰/۰۰۰۵
درصد مدیران غیر موظف در هیأت	۰/۲۴۰۷	۰/۰۳۷۹	۶/۳۳۸۹	۰/۰۰۰۰
مدیره	۰/۰۷۸۹	۰/۰۱۵۶	۵/۰۵۸۰	۰/۰۰۰۰
اندازه حسابرس	-۰/۰۰۱۰	۰/۰۱۳۵	-۰/۰۸۰۱	۰/۹۳۶۱
دوگانگی مدیر عامل	۰/۱۱۹۱	۰/۰۲۸۶	۴/۱۵۹۷	۰/۰۰۰۰
عمر شرکت	۰/۰۷۸۴	۰/۰۰۹۰	۸/۶۷۹۷	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۱۳۱۲	۰/۰۷۶۳	-۱/۷۱۹۲	۰/۰۸۶۲
نسبت سود خالص به دارایی ها	-۰/۰۳۲۹	۰/۰۲۲۲	-۱/۴۸۲۹	۰/۱۳۸۸
نسبت بدهی ها به دارایی ها				
ضریب تعیین	۰/۲۶۴۰	میانگین متغیر وابسته	۰/۵۴۲۴	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۵۱۰	انحراف معیار متغیر وابسته	۰/۵۲۰۸	
انحراف معیار رگرسیون	۰/۲۷۱۹	مجموع مجذورات پسماندها	۳۳/۵۸۱۴	
آماره اف	۲۰/۳۵۸	آماره دوربین واتسون	۱/۸۰۹۴	
احتمال آماره اف	۰/۰۰۰۰			

ماخذ: محاسبه پژوهشگر

برای برآورد مدل رگرسیونی پژوهش از روش رگرسیون پدل دیتا استفاده شده است. روش برآورد مدل روش حداقل مربعات تعمیم یافته تابلویی است. نتایج بر اساس جدول ۲ نشان می-دهد آماره دوربین- واتسون، $1/8$ و همچنین ضریب R^2 در این مدل 25% می باشد. یعنی 25% از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل، مکانیزم های حاکمیت شرکتی قابل توضیح است. برآورد مدل بالا با رقم Prob(F-statistic) معادل $0/0000$ معنادار است. نتایج نشان می دهد که بین تمرکز مالکان و سطح افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد. متغیر تمرکز مالکان در سطح 99% معنادار است و مقدار ضریب آن $1/02$ است. نتایج نشان دهنده آن است که حضور سهامداران عمده اثر افزایشی بر افشاء مسئولیت اجتماعی دارد. متغیر مستقل درصد مدیران غیر موظف هیأت مدیره نیز دارای رابطه معنادار با سطح افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت ها دارد و در سطح 99% معنادار است و مقدار ضریب آن $0/24$ است و نشان می دهد که حضور بیشتر مدیران غیر موظف در هیأت مدیره به دلیل نقش نظارتی بیشتر باعث افزایش سطح افشاء مسئولیت اجتماعی می گردد. بین اندازه حسابرس و سطح افشاء مسئولیت اجتماعی شرکتها نیز رابطه معناداری وجود دارد و در سطح 99% معنادار

می باشد و ضریب آن ۰/۰۷۸ است. و نشان دهنده آن است که افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت ها تحت تأثیر اعتبار و شهرت مؤسسه حسابرسی شرکت ها قرار می گیرد.

نتایج جدول همچنین نشان می دهد که بین دوگانگی مدیر عامل و سطح افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت ها رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارتی داشتن مسئولیت دوگانه اثر کاهشی بر افشاء مسئولیت اجتماعی دارد.

۱۰- نتیجه گیری

هدف این مقاله بررسی اثر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت هاست. بر اساس نتایج آزمون فرضیه ها می توان نتیجه گرفت که افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها تحت تأثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی قرار دارد. یعنی هرچه مکانیزم- های حاکمیت شرکتی بهتر اعمال و اجرا شود، افشای گزارشات مسئولیت اجتماعی شرکت ها نیز بهبود می یابد و مکانیزم ها به عنوان زیربنای افشاء مسئولیت اجتماعی است.

کاناگریتم و همکاران^۱ (۲۰۰۷)، معتقد هستند که سازو کارهای حاکمیت شرکتی بر اطلاعات افشا شده توسط شرکت برای سهامداران آن اثر می گذارند و احتمال عدم افشای کامل و مطلوب اطلاعات و افشای اطلاعات کم اعتبار را کاهش می دهند. کارامونو و وافیس^۲ (۲۰۰۵)، نشان دادند در صورت وجود نظارت مؤثر هیأت مدیره بر مدیریت، کیفیت و کفایت اطاعات منتشر شده توسط مدیریت افزایش می یابد.

نتایج فرضیه ها پژوهش نشان داد که بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی از جمله تمرکز مالکان ، درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره و اندازه حسابر و سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین در اختیار بودن سهام شرکت در اختیار سهامداران عمده و حضور بیشتر مدیران غیر موظف در هیأت مدیره و انتخاب سازمان حسابرسی به عنوان حسابر باعث افشای بهتر مسئولیت اجتماعی شرکت ها می گردد. این نتیجه مشابه پژوهش رحمان خان و همکاران در سال ۲۰۱۲ است که نشان داد میان درصد اعضاء غیر موظف هیأت مدیره و سطح افشاء مسئولیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. کاشانی پور در سال ۱۳۸۸ نشان داد که رابطه ی بین افشای اختیاری و مدیران غیر موظف

¹ -Kanagaretnam, et al.

² -Karamanou & Vafeas

وجود ندارد. دوگانگی مسئولیت مدیر عامل موجب تضاد منافع و از دست رفتن استقلال می گردد. جنسن^۱ (۱۹۹۳) در این پژوهش دوگانگی وظیفه مدیر عامل با سطح افشاء مسئولیت اجتماعی دارای رابطه معکوس است و نشان می دهد در صورتی که مدیر عامل (CEO) یک شرکت سمت رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره داشته باشد سطح افشای مسئولیت اجتماعی کاهش پیدا می کند. داشتن اختیارات بیشتر مدیر عامل باعث کاهش نظارت و همچنین کاهش افشاء مؤثر اطلاعات شرکت می گردد.

این نتیجه نیز مشابه پژوهش رحمان خان و همکاران (۲۰۱۲) که نشان داد دوگانگی وظیفه مدیر عامل با سطح افشاء مسئولیت اجتماعی رابطه معکوس دارد. یافته های این پژوهش نشان داد سطح افشاء مسئولیت اجتماعی در سطح پایین است و نیاز به بهبود ساختارهای حاکمیتی شرکت ها دارد.

۱۱-پیشنهادهای پژوهش

پیشنهادهای کاربردی

۱- با در نظر گرفتن جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت ها در سازمان ها پیشنهاد می شود کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، استاندارد را در این خصوص تدوین نماید که همه شرکت ها آن را به کار ببرند.

۲- نظارت و حصول اطمینان از اجرای صحیح قوانین مربوط به افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها، مستلزم انتشار گزارش سالانه جداگانه در این خصوص است. پیشنهاد می شود راه کارهای تقویت ضمانت اجرایی انتشار چنین گزارشاتی بررسی شود.

۳- وجود رویه های یکسان جهت افشای مسئولیت اجتماعی به وسیله شرکت اهمیت دارد و به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می شود، چگونگی ایجاد رویه های یکسان به منظور افشای مسئولیت اجتماعی را بررسی نماید.

۴- با توجه به اینکه اجرای مکانیزم های حاکمیت شرکتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار باعث بهبود عملکرد می شود لذا به سازمان بورس اوراق بهادار تهران

^۱ -Jensen

پیشنهاد می گردد که شرکت هایی که اصول حاکمیت شرکتی را رعایت نمی نمایند، مقررات جدی تری را در نظر بگیرد.

پیشنهادهایی برای پژوهش های آتی

برای انجام پژوهش های آینده، موضوعات زیر پیشنهاد می شود:

- ۱- به دلیل افزایش روز افزون به قوانین و مقررات پاسخگویی اجتماعی، چگونگی انتشار گزارش عملکرد اجتماعی با نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان بررسی شود.
- ۲- تاثیر سایر سازو کارهای حاکمیت شرکتی از قبیل مالکیت مدیریتی، اندازه هیأت مدیره و حضور کمیته حسابرسی بر افشای مسئولیت اجتماعی بررسی شود.
- ۳- بررسی تاثیر مدیریت سود بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.
- ۴- بررسی ارزش افزوده اقتصادی و افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

منابع:

- ۱- حساس یگانه، یحیی (بهار ۱۳۸۵)؛ "حاکمیت شرکتی در ایران"، فصلنامه تحلیلی حسابرس، شماره ۳۲، ص ۳۹-۳۲.
- ۲- حسینی، مهدی (۱۳۸۹)؛ "جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت ها"، ماهنامه اندیشه گستر سایپا، شماره ۱۰۸.
- ۳- ذبیح منش، محمد (۱۳۹۱)؛ همایش منطقه ای مباحث نوین در حسابداری.
- ۴- شربت اوغلی، احمد و افشاری، داوود و نجمی، منوچهر (۱۳۸۹)؛ "سنجش مسئولیت اجتماعی نزد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علوم مدیریت ایران، شماره ۱۹، ص ۸۱-۶۳.
- ۵- عرب صالحی مهدی، ضیایی محمد علی (۱۳۸۹)؛ "ارتباط بین نظام راهبری و کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال ۲، شماره ۵، ص ۵۶-۳۹.
- ۶- عظیمی مهدی، خاک تاریک مهدی (۱۳۸۷)؛ "توجه به مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمان ها، گامی مؤثر برای نیل به سرآمدی صنعت"، مجله صنعت لاستیک ایران، سال ۱۳، شماره ۵۲.
- ۷- فروغی داریوش، میر شمس شهنشاهی مرتضی، پورحسین سمیه (۱۳۸۶)؛ "نگرش مدیران درباره افشای اطلاعات حسابداری اجتماعی با شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۵، شماره ۵۲.
- ۸- قائمی، محمد حسین و شهریاری، مهدی (پاییز ۱۳۸۸)؛ "رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی"، مجله پیشرفت های حسابداری شیراز، شماره ۱، ص ۱۲۸-۱۱۳.
- ۹- مرتضوی سعید، پورآزاد ناصر، امیر رضوی پگاه، صادقی مقدم معصومه (۱۳۸۹)؛ "بررسی نقش تعدیل گری متغیر اهمیت مسئولیت اجتماعی بر رابطه بین ابعاد چهارگانه مسئولیت اجتماعی و تعهد سازمانی"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۷، ص ۲۱۷-۱۹۳.
- ۱۰- موسوی زهرا، مریدی پور حمید، جاری اعظم (۱۳۸۹)؛ "ارزیابی تأثیر سازو کار نظارتی راهبردی شرکتی بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بازار اوراق بهادار

تهران"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال ۲، شماره ۶، ص ۱۵۵-۱۴۱.

۱۱- هاشمی سید عباس، بکرانی کیوان (۱۳۹۰)؛ "تأثیر ساختار مالکیت و نظام راهبری شرکتی بر تصمیمات ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال ۳، شماره ۹، ص ۱۵۵-۱۴۱.

- 12-Arshad, R. and Razak, S.N.A.A. (2011); "Corporate social responsibility disclosure and interaction effects of ownership structure on firm performance", **Business, Engineering and Industrial Applications (ISBEIA)**, vol. 111, pp. 25-28 .
- 13-Kanagaretnam, Kiridaran and Lobo, Gerald J. and Whalen, Dennis J.(2007); "Does Good Corporate Governance Reduce Information Asymmetry Around Quarterly Earnings Announcements? ",**Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 26, pp. 497-522.
- 14-Karamanou, Irene and Vafeas, Nikos. (2005); "The Association between Corporate Boards, Audit Committees, and Management Earnings Forecasts: An Empirical Analysis", **Journal of Accounting Research**, Vol.43, pp. 453-486.
- 15-Oh, W. Y., Y. K. Chang and A. Martynov (2011); "The Effect of Ownership Structure on Corporate Social Responsibility: Empirical Evidence from Korea", **Journal of Business Ethics**, Vol. **104**, pp.283-297.
- 16- Oeyono, J. and Samy, M. and Bampton, R.(2011);"An examination of corporate social responsibility and financial performance: A study of the top 50 Indonesian listed corporations",**Journal of Global Responsibility**, Vol.2, PP.100-112
- 17-Rahman Khan ,A. and Badrul Mottakin. (2012); "Corporate Governance and Corporate Social Responsibility Disclosures: Evidence From an Emerging Economy".**Journal of Business Ethics**.
- 18-Parkinson, J.E. (1994); "Corporate Power and Responsibility", Oxford University Press, Oxford.
- 19-Scholtens, B. and Ching Kang, F.(2012). "Corporate Social Responsibility and Earnings Management: Evidence from Asian Economies".**Vol 20**, pp 95-112
- 20-Tricker, R. (1994). "International Corporate Governance", Singapore: Prentice- Hall.